

## الگوهای نوین زندگی جامعه در جهانی رو به شهری شدن

بیانیه جامعه جهانی بهائی خطاب به سومین کنفرانس سازمان ملل متحد با موضوع مسکن و توسعه پایدار شهری

کیتو، اکوادور- ۱۴ اکتبر ۲۰۱۶

دبیر کل سازمان ملل متحد در گزارش خود در سومین کنفرانس مسکن و توسعه پایدار شهری نوشت: «مراکز شهری به سکونت‌گاه اصلی بشر تبدیل شده‌اند.»<sup>۱</sup> با این وجود شهرنشینی در صورت کنونی خود، فرآیندی نیست که بتواند به طور نامحدود ادامه یابد. مهاجرت به مراکز شهری در مقیاس وسیع، در بسیاری از موارد به فروپاشی اجتماعی، نابودی منابع محدود زیست‌محیطی و احساس عمیق انزوا و ناامیدی منجر شده است. واضح است که راه‌حل نمی‌تواند صرفاً افزایش تراکم و جا دادن تعداد هر چه بیشتری از مردم در فضاهای کوچک‌تر باشد. بلکه، وضعیت کنونی نیازمند رویکردی کل‌گرا به سکونت‌گاه‌های انسانی است، رویکردی که نیازهای محیط‌های شهری و روستایی را برآورده سازد، از نقاط قوت هر دو بهره‌گیرد و امکان رشد و شکوفایی افراد و جوامع را در هر دوی این محیط‌ها به یک اندازه فراهم آورد.

پیشرفت در این مسیر نیازمند بازنگری کامل در برداشته‌های کنونی از زندگی در محیط‌های روستایی و شهری است، بازنگری‌ای که باید با استفاده از اندوخته دانش گذشته، پیشرفت‌های علمی حال حاضر و چشم‌اندازی روشن از آینده صورت گیرد. به عنوان مثال بینش‌هایی از حوزه روان‌شناسی به وضوح نشان می‌دهد که افراد در جوامعی آکنده از اعتماد و ارتباط متقابل به رشد و شکوفایی می‌رسند. خوشبختی انسان که بر میزان بهره‌وری، سلامت جسمانی و هوشیاری ذهنی تاثیر می‌گذارد، هنگامی در بالاترین سطح خود قرار دارد که روابط شخصی مستحکم باشند.<sup>۲</sup>

دوستی‌های صمیمانه و احساس اعتماد متقابل میان همسایگان، خصوصیتی است که به طور سنتی به جوامع روستایی نسبت داده می‌شوند عناصری از زندگی هستند که باید تقویت گردند، نه آنکه به دست فراموشی سپرده شوند. با این حال نباید نسبت به واقعیت‌های پیچیده زندگی روستایی که همچنان بسیاری را به مهاجرت به مراکز شهری می‌کشاند، نگاهی احساسی و غیرواقع‌بینانه داشت. اکنون، فناوری‌های ارتباطاتی درجه‌ای از یکپارچگی و انسجام اجتماعی را امکان‌پذیر می‌سازند که چند دهه پیش غیرقابل تصور بود. با این وجود در بسیاری از مناطق روستایی، انزوای فیزیکی و فکری، چشم‌اندازهای اقتصادی و آموزشی را با تهدید روبه‌رو می‌کند. بنابراین الگوی نوین از زندگی جامعه در همه محیط‌ها، اعم از شهری و روستایی، مورد نیاز است.

ایجاد سکونت‌گاه‌های سالم و مرفه، کاری دشوار است که نیاز به یادگیری و تلاش نسل‌های آینده دارد. دبیر کل سازمان ملل متحد درباره چالش‌های آتی، «اجتماع‌های شهری هراسان» را توصیف می‌کند که به «راه‌حل‌های کوتاه‌مدت»<sup>۳</sup> مانند استخدام شرکت‌های خصوصی، نگهداری و حصاربندی مجتمع‌های مسکونی روی می‌آورند، راه‌حلی که افراد کم‌بضاعت به آن‌ها دسترسی ندارند. او می‌نویسد ترس از جرائم «فضایی سراسر وحشت در شهرها ایجاد کرده که

<sup>۱</sup> سومین کنفرانس سازمان ملل متحد در زمین مسکن و توسعه پایدار (هیبیتات ۳)، گزارش دبیر کل، ۹ اوت ۲۰۱۱

<sup>۲</sup> «فهرست خوشبختی: خلاصه گزارش»، بنیاد ویکتوریا، گزارش پی.دی.اف، آوریل ۲۰۰۹

<sup>۳</sup> سومین کنفرانس سازمان ملل متحد در زمینه مسکن و توسعه پایدار (هیبیتات ۳)، گزارش دبیر کل، ۹ اوت ۲۰۱۱

عملکرد عادی برخی از شهرها را تقریباً مختل کرده است.<sup>۴</sup> باید توجه داشت که چالش‌هایی از این نوع تنها ناشی از کمبود ثروت، اطلاعات و منابع مادی نیستند، بلکه این مشکلات همچنین ریشه در پایه‌ای‌ترین نگرش‌ها نسبت به دیگران و پیش‌فرض‌های بنیادین ما درباره جهان و جایگاه و هدف‌مان در آن دارد. شهرها و روستاها باید فرصت‌های اقتصادی و منابع لازم را برای جوانان فراهم نمایند تا بتوانند امرار معاش کنند و مطابق مهارت‌ها و استعدادهاشان کسب درآمد داشته باشند. اما جوامع مختلف همچنین باید به جنبه‌های متعدد دیگری از سلامت و بهروزی انسان توجه کنند؛ از جمله شمول‌پذیری و انسجام اجتماعی، همبستگی میان‌نسلی، توزیع منصفانه منابع و پیوندهای معنادار با زمین و جهان طبیعت.

چگونه می‌توان این ویژگی‌ها را در یک جمعیت پرورش داد؟ این پرسشی است که باید تا حد امکان هدف کاوش‌های مستمر در آینده باشد. اما بر اساس تجربیات جامعه بهائی در سراسر جهان، چندین عامل در ایجاد سکونت‌گاه‌های بالنده، چه در مناطق شهری و چه در مناطق روستایی، ضروری به نظر می‌رسند.

یکی از مهم‌ترین عوامل، دغدغه‌ای مشخص برای احیای مفهوم جامعه است. البته این ایده در ابتدایی‌ترین شکل خود ایده آشنایی است و همیشه صحبت از انواع مختلف جوامع بوده است. اما در واقعیت زیسته بسیاری از مردم، جامعه یک کل به هم پیوسته و منسجم نیست، بلکه مجموعه پراکنده‌ای از اجزای عمدتاً نامرتب است. واقعیت فعلی باید با جوامع و محله‌هایی جایگزین شود که در آن‌ها ساکنین روابط دوستانه‌ای دارند، به یکدیگر اعتماد می‌کنند، اهداف مشترک است و به سلامت اخلاقی و عاطفی توجه می‌شود. همان طور که تعداد بیشتری از افرادی که در مجاورت یکدیگر زندگی می‌کنند، در تلاش هستند از موانعی که پیش از این، آن‌ها را از هم جدا می‌ساخته عبور نمایند، تعهد متقابل و حس هویت مشترک نیز باید بیشتر گسترش یابد.

برای آن که جامعه بتواند به نوبه خود به پیشرفت بیشتر اجتماع کمک کند و نقش افراد و مؤسسات اجتماعی را تکمیل نماید، باید برداشت بسیار جامع‌تری از زندگی جامعه، فعالانه مورد پذیرش قرار بگیرد. الگوهای نوینی از اقدام و تعامل باید ایجاد شود و انواع جدیدی از ارتباط و همکاری باید شکل گیرد. آزمایش، آزمون و خطا و یک فرایند دقیق یادگیری درباره ماهیت تغییر فرهنگی ماندگار، ضروری خواهند بود. تمامی این‌ها نیازمند کوشش و فداکاری عظیم است. البته با تداوم فعالیت، توان‌مندی‌های جدیدی که دستیابی به این اهداف را تسهیل می‌کنند، بیش از پیش واضح می‌شوند. از جمله این توان‌مندی‌ها، توانایی رسیدن به توافق عمومی میان یک جمعیت متنوع و پرورش تعهد جمعی نسبت به اولویت‌های مشترک، توانایی تقویت چشم‌اندازی از یک آینده مشترک و ترسیم گام‌هایی عملی برای دستیابی به آن و توانایی تدوین اقدامات و سنجش آن‌ها بر اساس آگاهی جمعی‌ای است که به تدریج درباره امر صحیح و غلط، موردپذیرش یا غیرقابل قبول، و مفید و مضر در حال شکل‌گیری است. این توانایی‌ها هم از نتایج تغییر اجتماعی عمیق در سطح محلی هستند و هم عاملان چنین تغییری.

مشارکت دادن جمعیت‌هایی که به طور سنتی یا به تازگی به حاشیه اجتماع رانده شده‌اند، یکی دیگر از پیش‌نیازهای شکوفایی سکونت‌گاه‌های انسانی است. در حالی که جامعه جهانی با آوارگی مردم در سطح وسیع و همچنین گسترش ایدئولوژی‌های افراطی گوناگون مواجه است، خطر این که برخی از جمعیت‌ها به کلی به محرومیت کشیده شوند، نیازی به شرح و تفصیل ندارد. با این وجود، این مشارکت دادن نمی‌تواند به شکلی تزئینی باشد یا به ارائه طیف محدودی از گزینه‌ها، به گروه‌های خاصی از مردم بسنده کند، گزینه‌هایی که توسط نهادهایی تدوین می‌شوند که این گروه‌ها به آن‌ها دسترسی ندارند. بلکه فرآیندهای تصمیم‌گیری تا حد ممکن باید استعدادها و دیدگاه‌های کل جمعیت را بازتاب داده و از آن‌ها بهره‌مند شوند. نظرات آنانی که در حالت فعلی ممکن است به حاشیه رانده شوند، نه تنها باید ارزش نهاده شود، بلکه باید به نحوی فعالانه جوای آن‌ها بود و از آن‌ها استقبال کرد. همچنین موانع مشارکت کامل و مؤثر هر گروه خاص، خواه مبتنی بر سنت‌ها، آداب و عادات باشد یا ریشه در تعصبات داشته باشد، باید صریحاً مورد توجه قرار گیرد و قاطعانه برطرف شود.

حرکت در این مسیر نیازمند رویکردهایی به تصمیم‌گیری است که از نظر کیفی با آن چه در گذشته به کار گرفته شده، متفاوت باشند. تجربه به طور خاص نشان می‌دهد که هنگامی که تصمیم‌گیری به عنوان تلاشی مشترک برای بررسی

واقعیت زیربنایی شرایط مربوطه در نظر گرفته می‌شود، یعنی جستجویی جمعی برای حقیقت و فهم مشترک، نتایج مؤثرتری حاصل می‌شود. در چنین چارچوبی، ایده‌ها و پیشنهادهای متعلق به هیچ شخص یا نهاد خاصی نیست. همچنین موفقیت یا عدم موفقیت پیشنهادات به جایگاه یا میزان نفوذ فرد یا مؤسسه‌ای که آن‌ها را طرح می‌کند وابسته نیست. بلکه، پیشنهادهای متعلق به کل گروه تصمیم‌گیری است که آن‌ها را به هر شکلی که به تفاهم و پیشرفت بیشتری بیانجامد، تصویب کرده، مورد بازنگری قرار می‌دهند یا رد می‌کنند. در برخی مواقع، این نوع مشورت می‌تواند با هدف دستیابی به یک تصمیم مشترک، میان افرادی که هم‌رتبه محسوب می‌شوند صورت پذیرد. در مواقع دیگر، ممکن است چنین مشورتی به شکل گفتگوهای برای تنویر افکار و تبادل اطلاعات در جهت تقویت درک مشترک باشد، اما تصمیم توسط افرادی گرفته شود که به صورت رسمی مرجعیت لازم برای تصمیم‌گیری به آن‌ها داده شده است. در هر صورت، تلاش این است که همه صداهای شنیده شوند و امکان مشارکت حداکثری فراهم باشد. مهم‌تر از همه آن که، مشورت‌هایی از این قبیل به صراحت درصدد تقویت پیوندهایی هستند که شرکت‌کنندگان را متحد می‌سازد. به این ترتیب، تعهد مشترکی که لازمه اجرای مؤثر نقشه‌ها است، از طریق خود فرآیند مشورتی ایجاد می‌شود.

نحوه درک خود و هویت، نکته‌ای بسیار مهم در تثبیت چنین سازوکارهایی است. جامعه بهائی همواره شاهد این بوده است که در مواردی که اعضای یک جمعیت محلی به طور فزاینده‌ای به عنوان یک کل متحد و منسجم عمل کرده‌اند، داشتن حس هدف مشترک بسیار مهم بوده است. چشم‌اندازی واحد نسبت به آینده کمک می‌کند تا اقدامات گوناگون در قالب یک جنبش منسجم به سوی اهداف مشترک هماهنگ شوند. با ریشه دواندن یک حس هدفمندی مشترک میان تعداد هر چه بیشتری از افراد و درک بهتر این که اقدامات گوناگون چگونه می‌توانند یکدیگر را تقویت کنند، تعداد فزاینده‌ای از مردم می‌توانند به نقش منحصربه‌فرد خود پی بزنند. بدین صورت فرآیندی شروع به شکل‌گیری می‌کند که به وسیله آن اقشار هر چه بیشتری از یک جمعیت، فعالانه مسئولیت رشد مادی، اجتماعی و روحانی خود را به عهده می‌گیرند.

لازم به ذکر است که ارزش‌ها- چه ارزش‌های تک‌تک اعضای جامعه و چه آن ارزش‌هایی که در ابعاد فرهنگ جمعی نهادینه شده‌اند- نقشی محوری در ساختن شهرها و سکونت‌گاه‌هایی دارند که «کارکرد اجتماعی خود را ایفا می‌کنند».<sup>۵</sup> برای مثال ارزش‌های مشترک میان مردمی با نژادها، ملیت‌ها، زبان‌ها و سایر خصوصیات متفاوت، باعث رشد همبستگی میان گروه‌هایی می‌شوند که در ظاهر ناهمسان هستند و پیوندهای تعهد جمعی اثر خود را نمایان می‌سازند. در نقطه مقابل، ارزش‌هایی که حاکی از برتری یک گروه بر گروه دیگر هستند، خصومت را ترویج داده و باعث تضعیف انسجام اجتماعی می‌شوند. به عنوان مثال، فرایند وفق‌پذیری مهاجران در جوامع جدید، اغلب نه به دلیل کمبود توانمندی‌های فنی در جامعه، بلکه به این دلیل با مشکل روبه‌رو می‌شود که اعضای جدید جامعه توسط قدیمی‌ترها بیگانه انگاشته می‌شوند و بر اساس این بیگانه‌انگاری با آن‌ها رفتار می‌شود. وفق‌پذیری موفق، مانند بسیاری از حوزه‌های دیگر، نیازمند توانایی تعیین اولویت‌های مشترک و بسیج اراده جمعی یک جامعه متنوع و در حال تغییر است.

آموزش نیز نقشی محوری در ساخت سکونت‌گاه‌های انسانی بالنده دارد. تجربه نشان داده است که جوانان- صرف نظر از نژاد، ملیت یا بضاعت مادی‌شان- مشتاق تبدیل آرمان‌های متعالی به واقعیت‌های عملی هستند و آرزوی مشارکت معنادار در سعادت نوع بشر را در سر دارند. اما رویکردهای مختلف آموزشی به پرورش ویژگی‌های متفاوتی می‌انجامد. بنابراین باید درباره نگرش‌ها، ویژگی‌ها و مهارت‌هایی که لازم است در نسل‌های آینده پرورش یابد اندیشید. تجربه حاکی از آن است که اگر هدف، توان‌افزایی تعداد فزاینده‌ای از مردم برای مشارکت در بهبود اجتماع است، آموزش باید به جوانان کمک کند تا درباره مقصد زندگی‌شان و این که استعدادهايشان صرف چه اهدافی شود به شکلی عمیق فکر کنند. شناسایی و درک نیروهایی که اجتماع پیرامون آنان را شکل می‌دهد، برای جوانان مفید است. جوانان با انجام اقدامات سازنده توان‌افزایی می‌شوند و خصوصیتی مانند رهبری اخلاقی، اقدام اصول‌مند و شهامت اخلاقی در آن‌ها تقویت می‌شود.

ایجاد سکونت‌گاه‌های انسانی سالم تلاشی است که جامعه بین‌المللی در سال‌های آتی درباره آن در حال یادگیری خواهد بود. جوامع محلی در محیط‌ها و فضاهای متعددی، پیش‌نیازهای عملی سلامت فردی و جمعی را بررسی خواهند کرد. اما یادگیری در سطح محلی اگر از دانش تولید شده در مقیاس وسیع‌تر در سراسر جهان جدا باشد، به

<sup>۵</sup> دستور کار جدید شهری، هیئات ۳، پیش‌نویس سند نتایج برای تصویب در کیتو، اکتبر ۲۰۱۶، ۱۰ سپتامبر ۲۰۱۶

آسانی دچار رکود می‌شود. بنابراین، ساختارهایی که جریان عمودی و افقی تجربه، بینش‌ها و یادگیری‌ها را تسهیل می‌کند، برای دستیابی به اهداف «دستور کار جدید شهری» بسیار مفید خواهند بود. کدام نهادها یا هیئت‌ها می‌توانند در ایجاد این ساختارها مشارکت داشته باشند؟ چگونه ترتیبات در سطح محلی می‌توانند به هم‌تایان ملی، منطقه‌ای و جهانی خود متصل شوند؟ این پرسش‌ها و سؤالاتی نظیر آن‌ها را می‌توان بر اساس مقتضیات شرایط پاسخ داد. اما به نظر واضح است که هر نوع سیستمی از این دست، باید اطمینان یابد که فعالان در سطح توده مردم از یک سو در یک فرایند جهانی یادگیری مشارکت داشته باشند و از سوی دیگر از چنین فرآیندی بهره‌برند.

جامعه جهانی بهائی دستیابی به تعهدات بلندپروازانه پیشنهاد شده در «دستور کار جدید شهری» را بیش از هر چیز از این طریق - یعنی با توان‌مندسازی و بهره‌گیری از توان‌مندی همه جمعیت‌ها برای مشارکت در خیر عمومی - امکان‌پذیر می‌بیند.